

سیدنا ابوهریره رضی الله عنه امام فقیه مجتهد وحافظ حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم

پوهنوال دکور محمد معروف حنیف

دیارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل آدرس: maroof.heravi@gmail.com

چکیده

ابوهریره صحابی جلیل القدر که در سفر وحضر همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده و خودش را وقف تحصیل علم نمود. و در کنار سهم گیری در جهاد و امارت مسلمین، بیرق علم و دانش را بدوش گرفته و در مسجد نبوی احادیث پیامبر را تدریس مینمود، و از محضرش بیش از هشتصد نفر از صحابه و تابعین کسب فیض نمودند. هدف این تحقیق واضح ساختن جایگاه علمی و فقهی ابوهریره و پاسخ به انتقادات معتزله و امثال آنها می باشد. این تحقیق به شیوه تحلیلی توصیفی ترتیب و تهیه گردیده است. و از لابلای این تحقیق به این نتیجه دست یافتیم که ابوهریره بیشترین احادیث را نقل نموده، و جایگاه خاصی در نزد صحابه و تابعین داشته و در بخش فقه نیز مجتهد موفق بوده و فتاوایش برای همه در همان زمان قابل قبول بوده است. اینک دشمنان اسلام افتراءات را بر وی روا داشتند، که در این تحقیق به این شبهات پاسخ داده شده است.

واژه‌های کلیدی: ابوهریره؛ صحابی؛ فقیه؛ مجتهد؛ حافظ حدیث

Sayyiduna Abu Hurairah (RA), Imam, Jurist (Faqih), Mujtahid, and Preserver of the Hadith of the Messenger of Allah (PBUH)

Muhammad Maroof Hanif

Department of Islamic Education, Faculty of Sharia, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: maroof.heravi@gmail.com

Abstract

Abu Hurairah was a highly respected companion of the Prophet Muhammad (peace be upon him). He accompanied the Prophet during both travel and residence and dedicated himself to the pursuit of knowledge. Alongside his participation in jihad and his service in the administration of the Muslim community, he carried the banner of knowledge, teaching the Hadith of the Prophet in the Prophet's Mosque. More than eight hundred companions and successors benefited from his scholarship. The purpose of this research is to clarify the scholarly and jurisprudential status of Abu Hurairah and to respond to the criticisms raised by the Mu'tazilites and others. This study has been conducted using a descriptive-analytical method. The findings show that Abu Hurairah narrated the greatest number of Hadith, held a distinguished position among the Companions and Successors, and was also a successful jurist whose legal opinions were accepted during his time. Nevertheless, the enemies of Islam have leveled accusations against him, and this study provides responses to those doubts.

Keywords: Abu Hurairah; Position; Sahabah; Suspicions; Refutation of criticisms

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبی بعده وعلى آله وصحبه أجمعين . أما بعد :

صحابه کرام، یاران خاص پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بودند که از چشمه علم ناب نبوی بهره‌مند شدند و از زمان بعثت آن حضرت تا هنگام وفاتش، در کنار ایشان تربیت یافتند. آنان - رضوان الله علیهم - در امور دینی و دنیوی خود زیر نظر و تربیت مستقیم پیامبر اکرم قرار داشتند. بنابراین، آنان نسل واقعی قرآن بودند و بهترین امتی که برای مردم پدید آمدند. پس از رحلت پیامبر به سوی پروردگار متعال، آنان به جهاد و دعوت پرداختند.

تعداد صحابه - رضوان الله علیهم - بیش از ۱۱۴ هزار نفر بوده است، (السیوطی: ۲/ ۶۷۵) با تفاوت‌هایی که در علم، عمل، زندگی و شاخه‌های مختلف دین در میان‌شان وجود داشت.

در این تحقیق می‌خواهم درباره یکی از صحابه بزرگ و اهل عزم صحبت کنم که این دین راستین را برای ما به ارمغان آورد، و در رساندن آن به ما و نشر نور اسلام و علوم آن، نقش بزرگی ایفا کرد.

آن صحابی جلیل‌القدر، خادم رسول الله صلی الله علیه وسلم و حافظ سنت اوست. ابوهیره عبدالرحمن بن صخر دوسی - رضوان الله علیه - که از جمله صحابه‌ای است که بیشترین روایت را از پیامبر نقل کرده‌اند و بیشترین حفظ حدیث را داشته‌اند.

برخی از اهل انحراف و اندیشه‌های وارداتی بر این باورند که کثرت روایات او با وجود مدت کوتاه صحبتش با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - جای تردید در صحت این روایات دارد.

آنان می‌کوشند تا مردم در مورد صداقت ابوهیره و صحت روایات او دچار تردید شوند. اما اینها اولین کسانی نیستند که به مخالفت و دشمنی با سنت و حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم برخاسته‌اند بلکه آنها در این راه از معتزله و هواپرستان گذشته پیروی می‌کنند، ولی الله متعال با وجود توطئه و مکر دشمنان دین همواره سنت و حدیث را پیروز و سربلند نموده است. آنچه دشمنان معاصر زمزمه می‌کنند با آنچه گذشتگان گفته‌اند به هم نزدیک و دارای ریشه واحدی است اما با یک فرق اساسی، و آن اینکه هواپرستان گذشته و منحرفان آن زمان دارای علم و درایت و آگاهی بوده‌اند اما هواپرستان معاصر نماد جهالت و جسارت هستند و از سخنانشان به وضوح پیداست که آنها سخنان دیگران را به زبان می‌آورند و از آنها تقلید می‌کنند، و خود را از اهل حق برتر می‌دانند و برای رسیدن به این هدف روش‌های متعددی را در پیش گرفته‌اند که بارزترین این روش‌ها عبارتند از:

متهم کردن بزرگترین ناقلان دین و سنت و حافظان حدیث به تهمت های گوناگون و ادعای اینکه تربیت یافتگان مکتب محمد صلی الله علیه وسلم منافق و کذاب هستند، با آن که دوست داشتن اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم فرض و از لوازم ایمان شمرده می شود.

سیدنا ابوهریره یکی از رهروان مکتب پیامبر اسلام است، او رمز و الگوی معلمین امت است، آنهایی که نهضت فکری امت را توجیه و رهبری کرده و به پیش می بردند و قرآن را برای امت شرح و تفسیر می کردند. احادیث روایت شده توسط او جوانب مختلف دین را در بردارد اعم از عقیده احکام فضایل و مناقب.

به این دلیل است که زبان های بد او را هدف قرار داده و به تهمت های دروغین و بیمارگونه ای که ناشی از تعصب عمیق است، متهم کرده اند، و دشمنان اسلام نوک هجوم خود را متوجه او می نمایند و به دنبال روی از آنها پیروان شهوات و شبهات کینه و بغض او را در دل می پروراند.

در این نوشته مختصر، ایشان را به شما معرفی خواهیم کرد و در مورد صحبت و همراهی وی با پیامبر و از تلاش ها و خدمات ارزنده او در مورد سنت نبوی، و همچنان جنبه های فقهی و اجتهادی وی سخن خواهیم گفت، به امید اینکه مشارکتی باشد در کنار آنچه که بزرگواران قبلا نوشته اند، و از الله متعال مسألت دارم که بنده را از زمره یاران دینش و پیروان رسولش و دنباله روان صحابه بزرگوار قرار دهد، و این تلاش را در ترازوی اعمال نیک قرار دهد، و از الله عزوجل امید داریم که بدین وسیله محبت صحابه و دفاع از آن ها را نصیب فرماید، زیرا محبت صحابه فرعی از محبت به خدا و محبت به رسولش و دینش است.

امیدوارم آنچه در این مقاله به رشته تحریر درآورده ام پرده از اتهاماتی که به این صحابی بزرگوار زده شده بردارد، باور باطل دشمنان ابوهریره را درهم بشکند، و حقیقت آنها و دروغشان را آشکار سازد.

بعضی مردم از روی جهالت یا به از تقلید کسانی که هواپرستی عقل هایشان را از دست شان گرفته، عادت کرده اند که به اصحاب پیامبر توهین روا دارند، غافل از این که اصحاب پیامبر کسانی بوده اند که به ایشان ایمان آوردند و به همراهی آن حضرت مفتخر گردیده اند، و ایشان را یاری کردند و در ساختن تمدن این امت و افتخارات آن و تاریخی که امت به آن می بالد، و بر دیگر امت ها فخر می فروشد نقش زیادی داشته اند. آنان با جانفشانی با پیامبر مشارکت کردند؛ اگر بعد از خواست الهی صحابه نمی بودند اسلام پیروز نمی شد و در اکناف دنیا منتشر نمی گردید و در گوشه و کنار جهان نور آن نمی تابید. با تلاش های آن بزرگواران ملت های مختلفی به اسلام رهنمون گردیدند و به سبب آن خوشبخت شده اند،

و صحابه به خاطر این کارها و دیگر کارهای بزرگی که ذکر آن در اینجا نمی‌گنجد سزاوار آن شدند که خداوند آنان را بستاید و از آنان اعلام رضایت کند، و به خاطر همه‌ی این امور این مقاله را به رشته تحریر در آوردم.

صحابه کرام خط وصل در میان ما و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌باشند. از همین لحاظ الله متعال آنها را انتخاب نموده است چنانکه عبد الله بن مسعود می‌فرماید: صحابه کرام کسانی هستند که الله متعال آنها را از میان تمام خلایق برگزیده است. محبت آنها از لوازم و شروط ایمان دانسته می‌شود چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: محبت با صحابه ندارد مگر انسان‌های مومن و بغض با آنها نمی‌ورزد مگر انسان‌های منافق. روی همین ملحوظات دفاع از صحابه کرام و بیان جایگاه آنها بر هر مسلمان فرض شمرده می‌شود. شرح حال ابوهریره و بیان جایگاه وی و دفاع از او اهمیت این تحقیق را بطور ویژه آشکار می‌سازد.

سؤالات تحقیق قرار ذیل است.

۱. سیدنا ابوهریره در میان امت اسلامی از چه جایگاه و منزلتی برخوردار است؟
۲. آیا در نشر و پخش حدیث و سنت نبوی سهم داشته است؟
۳. علت کثرت روایات ابوهریره چیست؟
۴. آیا ابوهریره فقیه و مجتهد بوده، و یا اینکه فقط حافظ حدیث بوده است؟

روش تحقیق

این تحقیق به روش تحلیلی توصیفی تهیه و ترتیب گردیده است. بدین معنی که به کتاب‌های علمی و معتبر قدیم و معاصر مراجعه شده و نظریات مختلف پیرامون قضیه جمع و تحلیل گردیده و نتیجه بحث و بررسی با رعایت قواعد علمی تحریر گردیده است.

پیشینه تحقیق

در مورد سیدنا ابوهریره نوشته‌ها و تحقیقات در طول تاریخ صورت گرفته از آنجمله: نویسندگان کتاب‌های رجال و معرفی راویان سعی ورزیده‌اند که ترجمه و بیوگرافی ابوهریره را با ذکر روایات بطور مفصل بیان نمایند. و همچنان محدثین کرام در بخش‌های علوم حدیث در لابلای معرفی صحابه، ابوهریره را ضمن هفت تن از مکتبین فی الحدیث معرفی نموده‌اند. و همچنان محدثین کرام در رد معتزله و روافض و در دفاع از ابوهریره تحقیقات علمی را انجام داده‌اند، آنگاه که مستشرقین ظهور نموده و افزون بر

دشمنی معتزله وروافض افتراءات دیگری را به این صحابی جلیل القدر نسبت دادند، که به برخی از نوشته‌های سابق اشاره می‌نمایم:

ابوریة، محمود. (۱۹۹۱م). أضواء على السنة المحمدية. القاهرة، دار المعارف الطبعة السادسة.
 ابوریة، محمود. (۱۹۹۳م). أبوهريرة شيخ المضيرة، بيروت لبنان مؤسسة الأعلمي.
 الموسوي، آية الله السيد عبد الحسين شرف الدين (۱۴۳۱هـ). "أبوهريرة". قم: إيران، شارع الشهداء مؤسسة أنصاريان.

این آثار سه گانه این صحابی بزرگوار را مورد تاخت و تاز قرار داده و هر آنچه که تصور شد ممکن نبوده بلادلایل و حجت به وی نسبت داده اند.

الخطيب، الدكتور محمد عجاج. (۱۴۰۲ هـ) أبوهريرة راوية الإسلام. القاهرة مكتبة وهبة الطبعة الثالثة.
 دكتور خطيب نیز این رساله علمی را به بحث‌های مختلف تقسیم نموده و بطور عموم از ابوهریره دفاع نموده است.

الزهراني، محمد بن مطر، (۱۴۲۵هـ) دفاع عن أبي هريرة، الإمارات، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية. الطبعة الأولى.

مؤلف این کتاب بیشتر روی دفاع از شخصیت ابوهریره پرداخته است.

سباعی، دكتور مصطفى بن حسني. (۱۹۸۲ م) السنة ومكانتها في التشريع الاسلامي. دمشق - سوريا، المكتب الإسلامي، الطبعة الأولى.

دكتور سباعی در یکی از مباحث این اثر از ابوهریره دفاع نموده و شبهات ابوریة را جواب علمی داده است.

المعلمي اليماني، عبد الرحمن بن يحيى بن علي (۱۹۸۶ م)، الأنوار الكاشفة لما في كتاب "أضواء على السنة" من الزلل والتضليل والمجازفة. بيروت، المطبعة السلفية ومكتبتها / عالم الكتب.

این اثر کتاب ابوریة را مورد موشگافی قرار داده و از شبهات و افتراءاتش پاسخ علمی ارایه نموده است. همچنان سایر اهل علم و تحقیق پاسخ‌های علمی را از این افتراءات و یواه گوئی‌های آنها ارایه نموده اند. مانند: دکتر محمد اسماعیل، استاد علوم الحديث در جامعه قاهره، علامه محقق عبدالرحمن معلمی الیمانی/مدیر کتابخانه حرم مکی، و شیخ بزرگوار محمد عبدالرزاق حمزه مدیر دارالحديث مکه مکرمه و دکتر محمد ابوشهبه استاد حدیث؛ همگی نوشته‌های خوبی را از خود بجا گذاشته و شرف دفاع از ابوهریره را دریافت کرده‌اند و در کتاب‌هایی که در نقد شبهات محمود ابوریة نوشته‌اند فصولی به این مهم (دفاع از مقام ابوهریره) اختصاص داده‌اند. قبل از همه‌ی آنها، شیخ محمد محمد ابوزهو

فصل خاصی در کتابش «الحديث والمحدثون» به رد شبهات قدیمی مستشرقین که متوجه ابوهریره کرده‌اند، اختصاص داده است. بعد از ایشان استاد محمد عجاج الخطیب با استفاده از این رد و نقدها و مراجعه به کتب حدیث و رجال شناسی، کتاب بسار مفیدی - که به دفاع از این صحابی بزرگوارش اختصاص داده است - و آن را «أبو هريرة راوية الإسلام» نام نهاد. هر یک از این بزرگواران به نوعی به ذکر دلیل‌هایی پرداخته که دیگران بدان‌ها نپرداخته‌اند و هر کدام به برخی از مراجع مراجعه کرده‌اند که دیگران بدان دسترسی نداشته یا مراجعه نکرده‌اند. با اینهم برخی موارد ناگفته مانده و یا اینکه پاسخ کوتاه داده شده لذا خواستم حقایق علمی را پیرامون این صحابی بزرگوار خدمت قارئین عزیز قرار دهم، تا باشد از یکسو این کوتاهی‌ها برداشته شود و از طرف دیگر از این طریق مساعی را در باب دفاع از حریم سنت و صحابه مبذول بدارم. - امیدوارم الله متعال این عمل ناچیز را قبول درگاهش بگرداند.

معرفی ابوهریره رضی الله عنه

۱. نام و کنیه ابوهریره رضی الله عنه: در مورد نسب ابوهریره مؤرخان می‌گویند او از قبیله دوس از دی یمن است، اما در مورد نام ابوهریره رضی الله عنه و نام پدرش، اختلاف شدیدی وجود دارد. قطب حلبی با نقل از کتاب الکنی ی حاکم، الاستیعاب، و تاریخ ابن عساکر، در این باره چهل و چهار نظریه را ذکر کرده که در واقع این اختلاف نظرها حقیقت ندارد؛ زیرا در این باره فقط سه نظریه وجود دارد، نظریات دیگر صرفاً بر اثر توهم راویان می‌باشد و بر اساس تقدیم و تأخیر برخی از الفاظ بوده است.

چنانکه حافظ ابن حجر در الاصابة می‌گوید: برخی از نام‌هایی که به ابوهریره رضی الله عنه نسبت داده شده، شدیداً دچار تحریف و اشتباه گردیده، بررسی دقیق این نامها، نشان می‌دهد که تعدادشان به ده مورد هم نمی‌رسد و صحیحترین روایات در این مورد، فقط سه نظر می‌باشد که عبارتند از: عمیر، عبدالله و عبدالرحمن. (العسقلانی: ۲۰۴/۴)

قول راجح علما این است که اسم ابوهریره در دوران جاهلیت عبد شمس بوده است. وقتی او مسلمان شد رسول الله صلی الله علیه و آله نامش را تغییر داد چون جایز نیست که انسان را اینگونه نامگذاری کنند که عبد فلان یا عبد فلان چیز، زیرا انسان فقط عبد و بنده خداست، و او را عبدالرحمن و یا عبد الله (طبق قول امام بخاری) نام گذاشت. (الحاکم: ۵۷۹/۳). ابن عبدالبر: ۲۰۵/۴.^۱

^۱. قال الترمذي: وَأَبُو هُرَيْرَةَ اخْتَلَفَ فِي اسْمِهِ، فَقَالُوا: عَبْدُ شَمْسٍ، وَقَالُوا: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو، وَهَكَذَا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، سنن الترمذي (۷/۱)

ابوهریره به کنیه اش معروف است و با آن شناخته می شد و کنیه اش بر اسمش غالب آمده و تقریباً اسم او به فراموشی سپرده شده بود. ترمذی، علت معروف بودن ابوهریره رضی الله عنه را به این نام، این طور بیان می کند که ابوهریره رضی الله عنه می گوید:

«كُنْتُ أَرَعَى غَنَمَ أَهْلِي، فَكَانَتْ لِي هُرَيْرَةٌ صَغِيرَةٌ فَكُنْتُ أَضْعُهَا بِاللَّيْلِ فِي شَجَرَةٍ، فَإِذَا كَانَ النَّهَارُ ذَهَبَتْ بِهَا مَعِيَ فَلَعَبْتُ بِهَا فَكُنْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ». (الترمذی ۶۸۶/۵) من، گوسفندان قوم خود را می چراندم گربه کوچکی داشتم. شبها آن را بالای درختی می گذاشتم و روزها آن را با خود به صحرا می بردم و با آن بازی می کردم. به همین جهت آنها، مرا ابوهریره یعنی پدر گربه صدا می کردند.

حاکم از ابوهریره روایت کرده که گفت: «وَأِنَّمَا كُنْتُ بِأَبِي هُرَيْرَةَ لِأَنِّي كُنْتُ أَرَعَى غَنَمًا لِأَهْلِي، فَوَجَدْتُ أَوْلَادَ هِرَّةٍ وَحَشِيَّةً فَجَعَلْتُهَا فِي كُمِّي، فَلَمَّا رَجَعْتُ عَنْهُمْ سَمِعُوا أَصْوَاتَ الْهَرِّ مِنْ حِجْرِي، فَقَالُوا: مَا هَذَا يَا عَبْدَ شَمْسٍ؟ فَقُلْتُ: أَوْلَادُ هِرَّةٍ وَجَدْتُهَا، قَالُوا: فَأَنْتَ أَبُو هُرَيْرَةَ فَلَزِمْتَنِي بَعْدُ". (الحاکم: ۵۷۹/۳) ۲ مرا به ابوهریره کنیه دادند زیرا من گوسفندان خانواده ام را به چرا می بردم، روزی بچه های گربه وحشی را دیدم و آنها را در آستین گرفته و با خود به خانه آوردم وقتی آنها صدای گربه را از آغوش من شنیدند، گفتند: ای عبدشمس اینها چه هستند؟ گفتم: بچه گربه هایی هستند که آنها را پیدا کرده ام، گفتند: پس تو ابوهریره هستی بعد از آن این اسم بر من ماند. و ابوهریره می گوید: پیامبر مرا اباهر صدا می زد و مردم مرا ابوهریره می نامند. (الحاکم: ۵۰۶/۳) ۳ و بنابراین می گفت: اگر مرا اباهر بگوئید برایم پسندیده تر است از آن که مرا ابوهریره بگوئید. (الحاکم: ۵۰۷/۳)

در بخشهای مختلف صحیح البخاری و به مناسبت های گوناگون رسول الله او را با عنوان (أباهر) صدا می کرده اند. (البخاری: ۶۵/۱)، (۶۸/۷)، (۴۴/۸)، (۵۵/۸) و (۹۶/۸) عده از دشمنان ابوهریره (مانند ابوریه) بر او نقد وارد نموده که گویا وی مجهول النسب است. باید خاطر نشان ساخت که حتی نوآموزان تاریخ می دانند که شهرت به القاب و کنیه اموری متداول و معروف در میان اعراب بوده است. و بلکه در مواردی مردم در مورد اسم یک نفر اختلاف می کردند، ولی در مورد کنیه اش اختلاف نداشتند. چنانکه همین مورد درباره اوّلین خلیفه راشد مصداق دارد، که با کنیه ابوبکر مشهور بوده، و همچنین در مورد ابوعبیده، و ابودجانه، و ابوالدرداء، آنان که از بزرگان و قهرمانان نامدار صحابه هستند.

۲. و ذهبی در مختصر مستدرک آن را صحیح دانسته است.

۳. حاکم در المستدرک، با سند صحیح روایت کرده است و ذهبی آن را تأیید نموده است.

این شخصیت‌ها (با کتبه‌های خود شهرت یافتند و اسامی‌شان را بسیاری از مردم نمودند، و در هیچ روزی از روزگار نشیده‌ایم که حسب و نسب موجب تقدم صاحبش در فضایل علمی گردد، و یا دانشمندی به علت نداشتن آن فرو گذاشته شود. (الخطیب: ص، ۱۶۷)

بدین ترتیب آنچه را ابوریه در اینمورد ناروا و زشت شمرده، بر ابوهیره غیر وارد است.

مطلب دوم: اسلام آوردن ابوهیره و مصاحبتش با رسول الله: کتاب‌های تاریخ اشاره دارند براینکه ابوهیره قبل از هجرتش مسلمان شده بود، اما آنچه مهم است که او در سال هفتم هجری وقتی که پیامبر در غزوه خیبر بود اسلام خود را اعلان نموده و در جنگ خیبر همراه پیامبر شرکت نمود، ابوالغیث از ابوهیره روایت می‌کند که گفت: «همراه پیامبر به سوی خیبر رفتیم و خداوند ما را پیروز کرد...». احمد: ۲۲۵/۱۵. العسقلانی، الفتح: ۶/۲۲۵ و (النووی: ۱/۴۲-۴۳).

همچنان بعد از خیبر در دیگر جنگ‌ها و صحنه‌ها حضور داشت، و در کنار افتخار همراهی پیامبر افتخار جهاد در راه خدا را نیز به دست آورد، دوران همراهی ابوهیره با پیامبر چهار سال و اندکی است. (النووی: ۲/۱۲۸)

او همواره با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بود و هر کجا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - میرفت با او بود و اغلب غذا را با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تناول میکرد. (السباعی: ۱/۳۲۸)

ابوهیره رضی الله عنه مصاحبت پیامبر صلی الله علیه وسلم را در سفر و حضر بر خود لازم گرفت و این وضعیت، تا وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم ادامه داشت. اخیر الامر مرگ به سراغ این صحابی جلیل القدر رسید، و در سال ۵۷ هـ و گفته‌اند ۵۸ هـ و گفته‌اند ۵۹ هـ به عمر ۷۸ ساله گی از دنیا رحلت نمود و در بقیع الغرقه به خاک سپرده شد. (العسقلانی: الإصابة، ۲/۱۸۱) امام ذهبی قول اخیر را ضعیف شمرده و حافظ ابن حجر قول اول را تأیید نموده است. (الحاکم: ۳/۵۰۸، الذهبی: السیر، ۲/۲۶۲-۲۶۷ و عسقلانی: الإصابة، ۴/۲۱۰)

آنگاه که زمان مرگ ابوهیره - رضی الله عنه - فرارسید گفت: بر جسد من خیمه برنیاوراید و به دنبال جنازه ام آتش روشن نکنید و خیلی زود مرا به سوی قبر ببرید، چون از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - شنیده‌ام که میگفت: هر گاه مرد صالح - یا مؤمن - را روی تابوت بگذارند میگوید: مرا به سوی قبر ببرید، و هر گاه مرد کافر - یا فاسق - را روی تابوت بگذارند میگوید: وای بر من مرا به کجا میبرید؟ مطلب سوم: برخی فضایل صحابی جلیل القدر، ابوهیره رضی الله عنه: او به شرف مطلق صحبت رسول کریم نایل آمد، و عدالتی را که شامل حال همگی صحابه گردید، و آیات قرآن کریم و احادیث شریفه آن را مورد تأیید قرار داده، او را نیز شامل گردید، او همچنین افتخار یافت، که دعوت رسول کریم را

برای هدایت قبیله اش دوس بردوش گیرد، و مردم یمن را که خود یمنی بود از این افتخار بهره مند سازد. او به شرف هجرت بسوی الله و رسولش سربلند گردید، زیرا که هجرتش قبل از فتح بود. و نیز افتخار یافت که رسول الله برایش دعا کنند. از جمله آیاتی که شامل همه اصحاب است این آیات کریمه، [وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ]. [التوبة: ۱۰۰]

"و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، الله متعال از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند، و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانه‌اند. این است همان کامیابی بزرگ".

[وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُثَقِّفُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ] [الحديد: ۱۰]

"و شما را چه شده که در راه الله انفاق نمی‌کنید و حال آنکه میراث آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟ آن دسته از شما که پیش از فتح (مکه) انفاق کردند و (در راه الله) جنگیدند، همسان دیگران نیستند؛ (بلکه اجر و پاداش) کسانی که پس از فتح، انفاق نمودند و جنگیدند، بزرگ‌تر است. و الله به هر یک (از این دو گروه) بهشت را وعده داده است. و الله به کردارتان آگاه است".

و آیه ۲۹ سوره فتح که الله تعالی می‌فرماید: [مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ]. (الفتح: ۲۹). «محمد پیامبر الله است، و آنانیکه با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت و در میان خود دلسوزند». و از جمله آیاتی که در آخر نازل شده است این آیه میباشد: [لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ]. (التوبة: ۱۱۷) «مسلم الله متعال رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، از آنکه نزدیک بود دل های گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس الله توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است». آنچه در آن شکی نیست اینکه ابوهیره یکی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است که همه این آیات در موردش منطبق می باشد.

و همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آنان را در احادیث زیادی ستوده و از آنان تقدیر نموده و آنان را از دیگران برتر دانسته است، از آن جمله: شیخین (بخاری و مسلم) از ابوسعید خدری از رسول الله روایت کرده‌اند که فرمود:

«لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ، ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدَّ أَحَدِهِمْ، وَلَا نَصِيفَهُ» (البخاری: ۸/۵، والقرطبی: ۴/۱۹۶۷)

یاران مرا دشنام ندهید، اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا انفاق کند به اندازه یک مد انفاق آنها و حتی نصف آن هم ثواب حاصل نمی‌کند.

امام احمد و ترمذی از حدیث عبدالله بن مغفل از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده‌اند که فرمود:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِي، لَا تَتَّخِذُوهُمْ غَرَضًا بَعْدِي، فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَبِحَبِّي أَحَبَّهُمْ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَبِغْضِي أَبْغَضَهُمْ، وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ، وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَيُوشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ». (الشیبانی: ۲۸۷/۴ و ۲۸۸-۵۴/۵، والترمذی: کتاب المناقب، بَابُ فِيمَنْ سَبَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۳۵۸/۵)

از الله بترسید در حق اصحاب من! و بعد از من کینه آنها را به دل نگیرید، هر کس با آنان محبت کند، به خاطر محبت با من به آنان محبت می‌ورزد. و هر کس بدش از آنان بیاید، چون با من بغض دارد به آنان خشم می‌ورزد. و هر کس اصحاب مرا آزرده، مرا آزرده است، و کسی که مرا آزرده، الله را آزرده است، و هر کس الله را بیازارد، عنقریب الله او را می‌گیرد. - و کسی را که الله گرفت، امید رهاکردنش نیست -.

به همین خاطر است که عبدالله بن عمر می‌گوید: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَقَامُ أَحَدِهِمْ سَاعَةً، خَيْرٌ مِنْ عَمَلِ أَحَدِكُمْ عُمْرَهُ» (القرطبی: ۵۷/۱) و الشیبانی: فضائل الصحابة ۹۰۷/۲)) یاران محمد صلی الله علیه وسلم، را دشنام ندهید چرا که مقام یک ساعت از آنان، بهتر است از عمل تمام عمر هریک از شما.

و در روایتی دیگر آمده: «خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَحَدِكُمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً». از عبادت چهل سال هریک از شما برتر است. (الحاکم: ۵۰۱/۲) والشیبانی: فضائل الصحابة ۹۰۷/۲، و ابن ابی عاصم: ۴۸۴/۲)

بنابراین ائمه کرام، محبت با صحابه را جزو ایمان می‌دانستند؛ چنانکه امام احمد - رحمه الله - در بیان اعتقادی که واجب است نسبت به صحابه داشته باشیم می‌گوید: «حبهم سنة، والدعاء لهم قرينة، والافتداء بهم وسيلة، والأخذ بآرائهم فضيلة». (الشیبانی: السنة، ص ۳۸) دوست داشتن آنان سنت است، و دعا

برای آنان عبادت است، و پیروی از آن‌ها وسیله است، و عمل به آرای فقهی آن‌ها فضیلت است. امام طحاوی - رحمه الله - میگوید: ما اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را دوست داریم و در محبت به هریک از آن‌ها کوتاهی نمی‌کنیم، و دشمن کسی هستیم که با آنها دشمنی می‌کند و به بدی، آنها را یاد می‌کند، و ما جز به نیکی از آن‌ها نام نمی‌بریم، و حب آن‌ها دین و ایمان و احسان، و بغض داشتن نسبت به آنها کفر و نفاق و طغیان است. (ابن ابی العز: ص ۵۲۸، و ما بعد آن)

ابوزرعه رازی - رحمه الله - میگوید: اگر شخصی را دیدی که یکی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را از منزلتش میکاهد بدان که زندیق است، بدین خاطر که رسول و قرآن نزد ما حق است، و این اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بودند که قرآن و سنت را به ما منتقل کردند، اینان می‌خواهند به گواهان ما توهین کنند تا کتاب و سنت را باطل بشمارند، و توهین به آنها اولی‌تر است. بنابراین زندیق هستند. (الخطیب البغدادي: الکفایة فی علم الروایة، ص ۶۷)

و ابن صلاح می‌گوید: تمام صحابه یک ویژگی خاص دارند، و آن اینست که از عدالت هیچ یک از آن‌ها سؤال نمی‌شود، بلکه این یک مسأله تمام شده است چون با نص صریح کتاب و سنت و نیز اجماع افراد قابل اعتماد در امت عدالت آن‌ها ثابت شده است. (ابن الصلاح، ص ۱۶۴)

این گزیده از نصوص کریمه و اقوال برخی از علمای امت است که مبین اعتقاد ما نسبت به آنها است، و آنچه در مورد اصحاب کرام ذکر شد، یقیناً شامل حال سیدنا ابوهریره می‌گردد. اما با وجود آن که خداوند صحابه را ستوده و از آنان اعلام رضایت کرده و پیامبر از آنان تقدیر کرده است و آنان را بر دیگر افراد این امت برتر شمرده زبان‌ها و قلم‌هایی مزدور حملات خود را برشماری از سابقین اولین و غیره متمرکز کرده است.

پس هرکس به یکی از آنها احترام نداشته باشد و یا اینکه به وی اعتراض نماید، در واقع قرآن و احادیث صحیح و اجماع مسلمانان صدر اسلام را فرو گذاشته وزیرپا نموده است.

مطلب پنجم: زهد، عبادت و تقوای ابوهریره رضی الله عنه: در مورد عبادت و پرهیزگاری ابوهریره رضی الله عنه، همه اذعان دارند که شخص زاهد و عابد و پارسا بود، ابو نصره از شخصی نقل کرده است که او، مهمان ابوهریره رضی الله عنه بوده و گفته است: هیچکس از صحابه را در عبادت و مهمان نوازی مانند او ندیدم.

عبدالرزاق از ابن سیرین نقل می‌کند: عمر رضی الله عنه، از ابوهریره رضی الله عنه خواست که امیر بحرین شود، اما ابوهریره رضی الله عنه عذر آورد و نپذیرفت. عمر رضی الله عنه گفت: آیا از امارت گریزان هستی، در حالی که کسی که از تو بهتر بود، یعنی یوسف (علیه السلام)، امارت را طلبیده است. ابوهریره رضی الله عنه گفت: او، یوسف، نبی الله

و فرزند نبی الله بوده است، اما من، ابوهریره بن أمیمه هستم و از پنج چیز بیم دارم: از اینکه بدون علم سخن بگویم و بدون بردباری قضاوت کنم، و مورد ضرب و شتم قرار بگیرم و حیثیت و مالم را از دست بدهم. (الذهبی: السیر، ۲/ ۶۱۲)

از این روایت به خوبی دانسته می شود که ابوهریره زهد و پارسایی را در این دنیا برگزیده و هیچ چیزی برایش بهتر از نشر علم نبود.

مطلب ششم: انتقاد منحرفین بر ابوهریره: یکی از روش های که دشمنان اسلام جهت مبارزه با اسلام در پیش گرفتند ایجاد تشکیک در احوال و وضعیت راویان و شبهاتی علیه آنان به راه انداختند و به بهانه ی نقد علمی و بحث موضوعی و رای آزاد و... به ایجاد شک و طعن در امانت و صداقت آنها روی آوردند که سهم صحابی بزرگوار، روایت گر اسلام ابوهریره ساز این کید جدید بسیار و فراوان بود، چرا که او بیشتر از سایر اصحاب حدیث روایت نموده است. از جمله آنانی که ابوهریره واحادیش را مورد انتقاد قرار داده اند، یکی از آنها که به نام عبدالحسین شرف الدین موسوی که هم کیشانش او را آیت الله العظمی!! می گویند کتابی تحت نام ابوهریره تألیف کرده و در آن از هیچ گونه طعن به ابوهریره دریغ نورزیده، دروغ ها و اعتراضاتی ذکر کرده تا اینگونه این صحابی بزرگوار را بدنام کند، شخص دومی ابوریه است که در کتابش أضواء علی السنة و کتاب دیگرش أبوهریره شیخ المضیره از هیچ افترا و دروغ و تهمت بر این صحابی جلیل القدر دریغ نورزیده است.

سومین فرد علامه سید مرتضی عسکری است که در کتابش معالم المدرستین به ساحه ابوهریره رضی الله عنه بسیار تاخت و تاز نموده است.

و اما مؤلف دیگر محمد سماوی تیجانی است او یکی از افراد بارز باطنیه می باشد، اگر خواننده گرامی از همه آنچه اینها علیه امت نوشته اند اطلاع یابد از بلایی که برای امت محمدی پیش آمده و از اینکه قلم های مسموم علمای سوء نفاق را بین امت گسترش می دهند متأسف خواهد شد و از حسرت و ناراحتی مرگ را ترجیح خواهد داد.

هدف اینها در حقیقت طعنه زدن به ابوهریره نیست بلکه این کارشان مقدمه ای برای از بین بردن اسلام است و این فرومایگان از آنجا که می خواهند این شریعت و آیین پاک را از میان بردارند و با آن مخالفت نمایند به حاملان و ناقلان آن که تنها راه و وسیله رسیدن ما به اسلام است طعنه می زنند.

در کتاب تاریخ بغداد آمده است که هارون الرشید از شخصی به نام «شاکر» سرکرده و راس زناده (دین ستیزان) عصر خویش - هنگامی که خواست گردنش را بزند - پرسید: «چرا شما (زناده) در ابتدای

کارتان، به کسانی که می‌خواهید از دین اخراج کنید کراهیت و بغض بزرگان و رؤسای صحابه را تعلیم می‌دهید؟» سبیش چیست؟ شاکر گفت: «ما در ابتدای کار ناقلان حدیث را مورد طعن قرار می‌دهیم، زیرا اگر نقل کننده باطل شد و از اعتبار افتاد به تبع او روایت و حدیث نیز از اعتبار خواهد افتاد و باطل خواهد در گذشت.

آنان در دل خود دشمنی با دین را پنهان می‌نمایند و با این وسیله شیطانی زشت، اسلام را هدف قرار داده‌اند، آنان تنها در مورد ابوهریره چنین شیوه‌ای را در پیش نگرفته‌اند بلکه در برابر همه اصحاب پیامبر موضعی خصمانه گرفته‌اند و همه را که در رأس آنها ابوبکر و عمر و عثمان قرار دارند کافر می‌شمارند و مورد مذمت قرار می‌دهند. ابوهریره بر گردن مسلمین حق دارد که از او دفاع کنند چون دفاع از ابوهریره یعنی دفاع از سنت پیامبر و حمایت آن از طعنه باطل‌گرایان و مفسدان.

جایگاه علمی ابوهریره رضی الله عنه

۱. سعی و تلاش ابوهریره جهت کسب علم: ابوهریره رضی الله عنه از زمره شاگردان نخستین مکتب نبوت بود که برای آموختن و فراگیری علم و معرفت زحمات و مشکلات طاقت فرسا را متحمل شد. و حصول آن را آرزوی دیرینه خود میدانست، به همین خاطر مسجد نبوی را سرپناه خود گرفت و پیامبر صلی الله علیه وسلم را امام و آموزگار خویش قرار داد.

او تمام عمر خویش را وقف علم دین کرده بود، تا وقت رحلت نبی صلی الله علیه وسلم از صحبت رسول الله صلی الله علیه وسلم دور نبود نه در سفر، نه در حضر، نه در شب، و نه در روز، صرف در وقت خواب از رسول الله صلی الله علیه وسلم جدا بود و در سایر اوقات از ارشادات نبوی صلی الله علیه وسلم استفاده میکرد.

چنانچه روایت مسلم بر این موضوع دلالت دارد. ابن شهاب زهری می‌گوید: سعید بن مسیب نقل نمود که ابوهریره فرمود: يَقُولُونَ: إِنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ قَدْ أَكْثَرَ، وَاللَّهُ الْمَوْعِدُ، وَيَقُولُونَ: مَا بَالُ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ لَا يَتَحَدَّثُونَ مِثْلَ أَحَادِيثِهِ؟ وَسَأُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ: إِنَّ إِخْوَانِي مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ يَشْغَلُهُمْ عَمَلُ أَرْضِيهِمْ، وَإِنَّ إِخْوَانِي مِنَ الْمُهَاجِرِينَ كَانَ يَشْغَلُهُمُ الصَّفْقُ بِالْأَسْوَاقِ، وَكُنْتُ أَلْزِمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مِلءِ بَطْنِي، فَأَشْهَدُ إِذَا غَابُوا، وَأَحْفَظُ إِذَا نَسُوا. (القشیری: ۴/ ۱۹۴۰)

مردم می‌گویند: ابوهریره احادیث زیادی روایت می‌کند. می‌عادگاه همه ی ما الله متعال خواهد بود (او میان من و آنان، فیصله خواهد کرد). همچنین مردم می‌گویند: چرا مهاجرین و انصار مانند ابوهریره، احادیث زیادی روایت نمی‌کنند؟ من علت آن را برای شما بیان می‌کنم: برادران انصار مشغول کار

کشاورزی در زمین های شان بودند. و برادران مهاجرم مشغول معامله و تجارت در بازارها بودند. ولی من به سیرشدن شکم اکتفا می کردم و همیشه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را همراهی می نمودم. لذا هنگامی که آنها غایب بودند، من حضور داشتم. همچنین من حفظ می کردم حال آنکه آنها فراموش می کردند.

وفي رواية: كَانَ يَلْزِمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَيْعِ بَطْنِهِ، وَيَحْضُرُ مَا لَا يَحْضُرُونَ، وَيَحْفَظُ مَا لَا يَحْفَظُونَ. (البخاري: ۳۵/۱)

در روایتی ابوهریره رضی الله عنه می گوید: اما ابوهریره کاری نداشت و همیشه همراه پیامبر بود و فقط به سیرشدن شکمش بسنده می کرد و دنبال علم و دانش بود. جایی که بقیه حاضر نبودند، او حضور داشت و آنچه را که دیگران حفظ نمی کردند، او حفظ میکرد.

امام بخاری از ابوهریره رضی الله عنه نقل نموده است که: به الله تعالی سوگند بعضی اوقات از فرط گرسنگی نقش زمین می شدم و گاهی بر شکم خود سنگ می بستم. (البخاری: ۹۷/۸) در جایی دیگر می گوید: من، بین منبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و حجره عائشه رضی الله عنها می افتادم. مردم گمان می کردند من دیوانه شده ام. در حالی که من دیوانه نبودم و جز گرسنگی مشکلی دیگر نداشتم. (البخاری: ۱۰۴/۹)

امام نووی در مورد سخن ابوهریره رضی الله عنه می گوید: هدف ابوهریره رضی الله عنه این بود که من به دنبال جمع آوری مال نبودم. بلکه به سیری شکم خویش قانع بوده، ملازمت پیامبر صلی الله علیه وسلم را بر همه چیز ترجیح می دادم، نه اینکه سیری شکم به عنوان مزد به او می رسید. اما دشمنان مغرض، این سخن ابوهریره رضی الله عنه را که با صراحت و فروتنی دلیل بر کثرت روایتش از پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کرده، بهانه ای برای طعن به انگیزه ی او در همراهی با پیامبر صلی الله علیه وسلم گرفته اند. آنان، از جمله «ابوریه»، در بخشی از کتاب خود با عنوان «سبب همراهی او با پیامبر» نوشت: ابوهریره صادقانه اعلام کرد که برای محبت یا هدایت با پیامبر همراه نشده، بلکه تنها برای سیر شدن شکمش چنین کرده است. (أبورية: ص: ۱۷۰).

علامه معلمی رحمه الله در پاسخ می گوید: سخن ابوهریره رضی الله عنه اوج ادب و تواضع است که در برابرش گردن ها خم می شود، اما ابوریه با سوء نیت، این تواضع را تحریف کرده و معنی را برعکس جلوه داده، و تلاش کرده تا خواننده را فریب دهد و او را از بررسی دقیق باز دارد، با این ادعا که روایت

مسلم را ذکر کرده و گویا به دقت علمی پرداخته، و سپس بر مبنای این تحریف، ادعای ناروایی مطرح کرده است. (المعلمی: ص: ۱۴۷)

برخی از دشمنان سنت نبوی از این سخن ابوهریره رضی الله عنه - که می گوید: «من بیهوش می افتادم»-، سوء استفاده نموده و او را مبتلا به بیماری صرع دانسته اند.^۵ این، خیانت و افترای بزرگی است. زیرا خود ابوهریره رضی الله عنه علت افتادن خود را توضیح داده که در اثر گرسنگی بوده است، نه به سبب بیماری صرع. از طرفی هیچیک از مورخین اسلامی که زندگی ابوهریره رضی الله عنه را مورد بررسی قرار داده اند، نگفته که وی دچار بیماری صرع بوده است. معلوم نیست گلدزهر این افترا را از کجا آورده است!

اما وی علی رغم این همه فقر، وتنگ دستی، وسختیهای روزگار لحظه از مجلس علمی پیامبر صلی الله علیه وسلم دوری نکرد و ملازمت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای آموختن علم اختیار نمود و از خود هیچ کمی و کاستی نشان نداد بلکه در باب علم باجرات تام از رسول الله (صلی علیه وسلم) سوال میکرد. ابی بن کعب میگوید: كَانَ أَبُو هُرَيْرَةَ جَرِيئًا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَسْأَلُهُ عَنْ أَشْيَاءَ لَا نَسْأَلُهُ عَنْهَا. (الذهبي: ۲/ ۶۲۹) ابوهریره رضی الله عنه جرأت داشت او از پیامبر صلی الله علیه وسلم مسایلی را سوال میکرد که دیگر اصحاب کرام رضی الله عنهم سوال نمیکردند.

۲. قدرت حافظه ابوهریره رضی الله عنه: یکی از مسایل مورد بحث گفتمان های علمی موضوع حافظه خارق العاده ابوهریره می باشد که چگونه برتر از همه بوده و در بسا اوقات تعجب آمیز نیز بوده است.

ابوهریره هنگامی که اسلام آورد، از حافظه خوبی برخوردار نبود. به همین جهت نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم از این مشکل شکایت کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی دستور داد که لباسش را پهن کند. سپس امر نمود آن را جمع کند و به سینه اش بچسباند. ابوهریره رضی الله عنه چنین نمود و از آن روز به بعد هیچ حدیثی را فراموش نکرد.^۶

^۵ برخی از مستشرقان و بعدها متأثران از آنان در عصر حاضر ادعا کردند که ابوهریره رضی الله عنه دچار نوعی اختلال عصبی یا صرع بوده و این مسأله را علت یا عامل در تخیلات او و نقل فراوان حدیث دانسته اند. از جمله کسانی که این سخن را مطرح کرده اند: أحمد أمين در کتاب ضحی الإسلام، ج ۲، و دیگر نوشته های او، که در آن به شبهه افکنی در مورد محدثین و از جمله ابوهریره پرداخته است. اهل علم این سخن را مردود دانسته اند و تأکید کرده اند: این ادعا بی اساس است و هیچ سند معتبر تاریخی، حدیثی یا رجالی از سلف یا اهل علم این را گزارش نکرده است. و هیچ دلیلی از نقل تاریخی وجود ندارد که ابوهریره به بیماری صرع مبتلا بوده باشد. دکتر محمد بن مطر الزهرانی در کتاب دفاع عن أبي هريرة، و شیخ عبدالمنعم صالح العلي العزي در کتاب الرد علی من طعن فی أبي هريرة به خوبی این شبهه را رد کرده و ثابت نموده اند که نسبت دادن صرع به ابوهریره، دروغ و بی اساس است.

^۶ چنانکه امام بخاری در صحیح البخاری (۳۵/۱) اینگونه روایت می کند عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَسْمَعُ مِنْكَ حَدِيثًا كَثِيرًا أَتَسَاءُ؟ قَالَ: «بَسْطُ رِدَائِكَ» فَبَسَطْتُهُ، قَالَ: فَغَرَفَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «ضُمَّهُ» فَضَمَمْتُهُ، فَمَا نَسِيتُ شَيْئًا بَعْدَهُ. ابوهریره - رضی الله عنه - می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! بسیاری از سخنانی را که از شما می شنوم، فراموش می

این داستان را ائمه حدیث مانند بخاری، مسلم، احمد، نسائی، ابویعلی و ابونعیم ذکر کرده اند.

اما گلدزیهر (Goldziher - شرق شناس یهودی) مدعی است که این رویداد، ساختگی می باشد و متاخرین جهت تأیید ابوهیریه علیه السلام و توجیه کثیر الروایه بودن او، آن را ساخته اند. البته این مستشرق یهودی دلیلی برای این مدعای خود جز کینه و عداوت نسبت به ابوهیریه علیه السلام ندارد.

همچنان باید اذعان نمود که عده از نویسندگان که ادعای اسلام می نمایند در توجیه اعتراضات و انتقادات به ابوهیریه علیه السلام در همسویی با مستشرقین در هجوم بر ضد این صحابی بزرگوار، نموده اند. و کوشیده اند که حقایق در تاریخ ابوهیریه علیه السلام را تحریف نمایند. و همچنین تلاش ورزیده اند که صداقت این صحابی گرامی، را خدشه دار نمایند.

علامه احمد محمد شاکر در ابتدای مسند ابوهیریه علیه السلام از کتاب مسند امام احمد بن حنبل می گوید: دشمنان سنت و دشمنان اسلام در عصر حاضر، جهت ایراد طعن به ابوهیریه علیه السلام و متردد گردانیدن مردم در صداقت و روایت وی، شدیداً تلاش می کنند؛ اگر چه به ظاهر در پی دستیابی به احادیث صحیح و اکتفا به قرآن هستند، اما در واقع به پیروی از استادان مستشرق خود هدفی جز ایجاد تردید نسبت به اسلام ندارند و معمولاً احادیثی از دیدگاه آنها صحیح است که با خواسته ها و شعارهای اروپایی آنان هماهنگ باشد. چه بسا قرآن را نیز به خاطر مطابقت با تمایلات و اهداف نادرستشان، توجیه می نمایند. البته آنها نخستین کسانی نیستند که در این زمینه به مبارزه علیه اسلام برخاسته اند. قبل از آنها نیز اساتیدشان قد علم نموده و به میدان آمده اند. اما اسلام همچنان به مسیر خود با آرامش و اطمینان در حرکت است. بدون اینکه توجهی به هیاهوی آنها داشته باشد و گاهی نیز آنها را تار و مار نموده است. واقعاً عجیب است! آنچه امروز اینها می گویند، عیناً همان چیزی است که گذشتگان شان می گفتند. با این فرق که گذشتگان شان، اهل علم و دانش بودند و اغلبشان کسانی بودند که با وجود علم و دانش، گمراه شده بودند. اما معاصرین فقط بر اساس جهل و جسارت، لقمه های بزرگی را که از گذشتگان مانده است، به دهان می گیرند و در کفر خود مقلدند.

کنم. آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «چادرت را پهن کن». من چادرم را پهن کردم و ایشان دو مشت در آن گذاشت و سپس فرمود: «آترا جمع کن». من آترا جمع کردم. بعد از آن، چیزی را فراموش نکردم. وفي رواية أخرى: وقال النبي صلى الله عليه وسلم يوماً: «لَنْ يَسْطُرَ أَحَدٌ مِنْكُمْ ثَوْبَهُ حَتَّى أَقْضِيَ مَقَالَتِي هَذِهِ، ثُمَّ يَجْمَعَهُ إِلَى صَدْرِهِ فَيَنْسَى مِنْ مَقَالَتِي شَيْئاً أَبَداً» فَبَسَطْتُ نَمْرَةً لَيْسَ عَلَيَّ ثَوْبٌ غَيْرُهَا، حَتَّى قَضَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَقَالَتهُ، ثُمَّ جَمَعْتُهَا إِلَى صَدْرِي، فَوَالَّذِي بَعْتُهُ بِالْحَقِّ، مَا نَسِيتُ مِنْ مَقَالَتهِ تِلْكَ إِلَى يَوْمِي هَذَا، صحيح البخاري (۱۰۹/۳) «پهن نمی کند هیچکس از شما لباس خود را تا که من گفتگویم را به پایان برسانم، باز آن را جمع نموده بر سینه اش بمالد، پس از گفتارش چیزی را تا ابد فراموش کند، ابوهیریه چادرش را پهن کرد پس هیچ چیزی از آن فراموش نکرد».

اگر به این موضوع از دید روانشناسی و جامعه‌شناسی و باانصاف دیده و بررسی شود، هیچ تعجب و تردیدی را باقی نمی‌گذارد. زیرا هر قومی دارای خصوصیات است و قوت حافظه، یکی از ویژگیهای عربها بوده است. در میان صحابه، تابعین و نسلهای بعدی، افرادی بودند که در سرعت حفظ و قدرت حافظه، نظیر نداشتند. کسانی که می‌دانند امام بخاری ششصد هزار حدیث را با سند و احمد بن حنبل، هفتصد و پنجاه هزار حدیث و ابوزرعه، هفتصد هزار حدیث را حفظ داشته‌اند، هرگز از محفوظات ابوهریره رضی الله عنه تعجب نمی‌کنند. زیرا مجموعه احادیثی که ابوهریره رضی الله عنه حفظ داشته، چنانچه در مسند بقی بن مخلد آمده، پنج هزار و سیصد و هفتاد و چهار حدیث بوده است. در میان علمای گذشته و معاصر کسانی بوده‌اند که آنقدر نثر و نظم حفظ داشته‌اند که محفوظات ابوهریره رضی الله عنه در مقابل آنها چیزی بشمار نمی‌آید. چنانچه راویان، نقل کرده‌اند که اصمعی پنج هزار رجز از رجزهای عرب را حفظ داشته است. و این در حالی است که در این امت، افراد زیادی وجود داشته‌اند که از نظر قوت حافظه، ممتاز بوده‌اند. (السباعی: ۱/ ۲۹۵)

و از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما با سند صحیح ثابت است که خطاب به ابوهریره رضی الله عنه گفت: یقیناً تو، بیش از ما با رسول الله صلی الله علیه و آله ملازمت و همراهی نموده‌ای و نسبت به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله از ما داناتری. (ابن عساکر: ۶۷/ ۳۵۰)

امام شافعی می‌گوید: ابوهریره رضی الله عنه در زمان خود، حافظترین فردی بوده که حدیث روایت نموده است. امام بخاری می‌گوید: حدود هشتصد نفر از اهل علم، از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند و ایشان، حافظ ترین فرد در روایت حدیث از رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است. (الذهبی: تذکره الحفاظ ۱/ ۳۳)

دکتر مصطفی سباعی می‌گوید: بدیهی است که ۸۰۰ راوی از صحابه و تابعین که از ابوهریره روایت کرده‌اند و او را موثق دانسته‌اند، خود ۸۰۰ دلیل بر بزرگواری و صدق لهجه اوست. (السباعی: ۱/ ۲۹۷)

ابو صالح می‌گوید: حافظه ابوهریره رضی الله عنه از حافظه تمام یاران رسول الله صلی الله علیه و آله قوی‌تر بوده است. سعید بن ابی الحسن (برادر حسن بصری) می‌گوید: هیچ صحابه‌ای بیشتر از ابوهریره رضی الله عنه حدیث روایت نکرده است. حاکم می‌گوید: حافظه ابوهریره رضی الله عنه از حافظه تمام یاران رسول الله صلی الله علیه و آله قویتر بوده و بیش از همه با رسول الله صلی الله علیه و آله ملازمت نموده است. وی، سر سفره پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نشست و تا وفات رسول الله صلی الله علیه و آله، در سفر و حضر در رکاب ایشان بود.

ابونعیم می‌گوید: از همه اصحاب، حافظه ابوهریره رضی الله عنه قویتر بوده و رسول الله صلی الله علیه و آله، در حق وی دعا نمود تا مؤمنان، او را دوست داشته باشند. به همین جهت مؤمنین، ابوهریره رضی الله عنه را دوست دارند.

ابن حجر می گوید: تمام محدثین اتفاق نظر دارند که ابوهریره رضی الله عنه بیش از همه اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله، حدیث در اختیار داشته است.

نباید فراموش کرد که صحابه رضی الله عنهم به کثرت حفظ ابوهریره رضی الله عنه اذعان داشته اند. مروان بن حکم والی مدینه، ابوهریره رضی الله عنه را در این زمینه امتحان نمود و ابوهریره رضی الله عنه در این امتحان، سربلند و موفق گردید. چنانکه ابن حجر در کتاب الاصابه به نقل از کاتب مروان «ابوالزعزعه» می گوید: مروان، ابوهریره رضی الله عنه را فراخواند؛ ابوهریره رضی الله عنه شروع به گفتن حدیث نمود. مروان، ابوالزعزعه را نیز پشت پرده نشاندۀ بود تا احادیث ابوهریره رضی الله عنه را ثبت نماید. وی، بعد از يك سال ابوهریره رضی الله عنه را دوباره فراخواند و دوباره آن احادیث را از وی سؤال کرد. ابوهریره رضی الله عنه احادیث را دوباره تکرار نمود. مروان به احادیثی که نزد وی بود، نگاه کرد و متوجه شد که يك حرف هم جابجا نشده است.

این ماجرا، اتهامات مستشرقین متعصب و هواداران مسلمانان را که هدفشان ایجاد شك و شبهه در پیکره اسلامی است، بکلی نابود می سازد.

۳. کثرت روایت حدیث: ابوهریره رضی الله عنه در سرفهرست آن هفت صحابی قرار دارد که بیشترین احادیث را از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم روایت نموده اند. همچنین تعداد بی شماری از وی کسب فیض نمودند، امام بخاری می گوید: «روی عنه ثمان مائة نفس اواكثر.» (الذهبی: تذکره الحفاظ، ۱/ ۱۲۰) از ابوهریره رضی الله عنه هشت صد نفر و یا بیشتر از آن روایت نموده اند. که شامل صحابه و تابعین میشوند.

از جمله صحابه: زید بن ثابت، ابویوب انصاری، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر، ابی بن کعب، جابر بن عبدالله، عائشه، مسور بن محزمه، ابوموسی اشعری، انس بن مالک و ابورافع مولای پیامبر و کسانی دیگر از صحابه، و از تابعین قیصه بن ذؤیب و سعید بن مسیب و عروه بن زبیر و سالم بن عبدالله بن عمر و ابوسلمه بن عبدالرحمن و ابوصالح السمان و عطاء بن ابی رباح و عطاء بن یسار و مجاهد و شعبی و ابن سیرین و عکرمه و نافع مولای ابن عمر و ابوادریس الخولانی و غیره از ابوهریره حدیث روایت کرده اند. (الأصفهانی: ۲/ ۵۷۸، الحاکم: ۳/ ۵۱۳، الذهبی: سیر أعلام النبلاء ۲/ ۵۸۰-۵۸۵)

درمیان تابعین از شاگردان و یاران ابوهریره برتر، و مشهورتر و بزرگوارتر و داناتر وجود ندارد. (الحاکم: ۵۱۳/۳) تاریخ فقه اسلامی (۷ نفر فقهاء مدینه) را شناخته است، آنانکه شهرت شان در آفاق، و نسل های بعدی شان گسترش یافته است، چرا که آنان احادیث بسیاری را در دسترس مردم قرار دادند، و اینگونه با بینش محکم، و اندیشه بلند بر هم قطاران خود از تابعین در استنباط احکام برتری حاصل کردند.

ابوزناد، از ممتازترین فقهای مدینه چهار ۴ نفر را نام برده است: ابن مسیب، و عروه و قبیصه بن ذؤیب و عبدالملک بن مروان. (الرازی: ۱۲۵/۳) که از راویان حدیث از ابوهریره هستند.

این مجموعه احادیث در همه زمینه ها از قبیل اعتقادات و معاملات و جهاد و مناقب و تفسیر و طلاق و نکاح و ادب و دعوات و رقایق و ذکر و تسبیح ... و غیره از او حدیث روایت شده است. امام احمد بن حنبل در مسند خود (۳۸۴۸) حدیث از او روایت کرده است که بسیاری از آنان تکراری هستند و همچنین مفاهیم بسیاری تکراری است اما کلمات آن فرق میکند. و امام بقی بن مخلد (۲۰۱ - ۲۷۶ هـ) در سند خودش (۵۳۷۴) حدیث از او روایت کرده است.

۴. اسباب زیاد بودن روایت های ابوهریره رضی الله عنه نسبت به سایر صحابه کرام: اگر انسان با نگاهی علمی و منصفانه، دور از هوا و هوس، به زیاد بودن روایت های ابوهریره رضی الله عنه بنگرد، به دلایل طبیعی و واقعی ای برای این امر راهنمایی می شود که نه تنها دلیلی بر طعن و انتقاد از او نیست، بلکه خود نشان دهنده فضیلت و برتری اوست؛ چرا که کثرت روایت، نشانه ی حافظه قوی است، برخی از این دلایل به شیوه ی دریافت (یادگیری حدیث) مربوط می شود، برخی به شیوه ی نقل و بیان (اداء حدیث) و برخی دیگر به هر دو موضوع.

این دلایل برای هرکسی که نسبت به این موضوع دچار تردید است اما نیت پاکی نسبت به صحابه رسول خدا صلی الله علیه و سلم دارد، کافی خواهد بود. از جمله آن دلایل:

۱. دعای نبوی در حق ابوهریره: رسول الله صلی الله علیه و سلم برای ابوهریره دعای فزونی علم را نمود. در روایتی آمده است که: ابوهریره برای خود دعا کرد و گفت: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا لَا يُنْسَى**. بارالها! از تو علمی را می خواهم که فراموش نشود. پس پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: آمین!.. برخی از حاضرین در مجلس گفتند: یا رسول الله! ما نیز از الله علمی را می خواهیم که فراموش نشود. رسول الله فرمود: پیش از شما، این نوجوان دوسی (ابوهریره) بر شما پیشی گرفت. (النسائی: ۳۷۴/۵)

۲. ابوهریره ملازم دائم پیامبر بود و در زمان هایی حاضر بود که مهاجرین و انصار حاضر نبودند، چون مهاجرین مشغول تجارت بودند و انصار به کار در باغ های خود سرگرم بودند. ابوهریره رضی الله عنه با هدف حفظ احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم، برای بهره مندی شخصی و رساندن این علم به دیگران، همراه آن حضرت بود. به همین دلیل، پیوسته با پیامبر بود و از او سؤال می پرسید؛ در حالی که بیشتر صحابه تنها در مواقع ضروری جرأت پرسش از پیامبر را داشتند. ثابت شده که آنان از آمدن اعراب

بادیه‌نشین خوشحال می‌شدند، چون آن‌ها از پیامبر سؤال می‌کردند. اما ابوهریره انسانی فارغ از مشغله، خوش اخلاق، مهربان، و بی‌تکلف بود که با پیامبر مداومت داشت.

علامه معلمی می‌گوید: امکان نداشت صحابه به‌صورت مداوم با پیامبر باشند، اما انس و ابوهریره به‌دلیل خدمت‌گزاری پیوسته همراه پیامبر بودند، پس احادیث بیشتری از او شنیدند نسبت به کسانی که مشغول تجارت یا زراعت بودند. (المعلمی: ص: ۱۴۰-۱۴۱)

۳. حرص زیاد به آموختن علم: در روایتی از ابوهریره - رضی الله عنه - نقل است که می‌گوید: گفتم: یا رسول الله! در قیامت لایق‌ترین شخص به شفاعت شما کیست؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «ای ابوهریره، چون حرص و علاقه‌ی تو را نسبت به حدیث دیدم، می‌دانستم که کسی قبل از تو، این سؤال را از من نخواهد پرسید. کسانی در روز قیامت برای شفاعت من سعادت بیش‌تری دارند که با اخلاص و از صمیم قلب، لا اله الا الله بگویند». (البخاری: ۳۱/۱)

۴. الله متعال برای ابوهریره رضی الله عنه عمر طولانی را نصیب فرمود؛ بنابر روایت صحیح در سال ۵۹ هجری وفات یافت. طبیعتاً هرچه مدت زندگی پس از وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم بیشتر می‌شد، فرصت برای نقل حدیث نیز بیشتر می‌گردید؛ همچنان‌که حافظ ابن حجر نیز در بررسی دلایل کثرت روایت گفته: «یا عمرشان طولانی شد و مردم به علم آنها نیاز پیدا کردند، پس از آنان پرسیده شد و چاره‌ای جز نقل نداشتند». این همان پاسخی است که ابوهریره رضی الله عنه نیز بدان تصریح کرده و گفته است: «به خدا سوگند اگر دو آیه در کتاب خدا نبود، هرگز چیزی از احادیث برایتان نقل نمی‌کردم: إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى... إِلَى قَوْلِهِ: الرَّحِيمُ».

علامه معلمی در این باره می‌گوید: ابوبکر (رضی الله عنه) در دوران ادای حدیث تنها حدود دو سال زندگی کرد، آن‌هم در حالی که به اداره امور مسلمانان مشغول بود. و عمر (رضی الله عنه) نیز در زمان خلافت ابوبکر، مشغول وزارت و تجارت بود، و سپس خودش به خلافت رسید و سرگرم تدبیر امور مسلمانان شد. همچنین عثمان و علی نیز به‌خاطر مشغله‌های حکومتی، و مقابله با فتنه‌ها، فرصت کمی برای روایت داشتند.

و کسانی که خواهان طلب علم بودند از این بزرگان و امثال آنان هراس داشتند (به‌خاطر هیبت و مقامشان)، و آنان همه صحابه را افراد امین و مورد اعتماد می‌دانستند، پس به شنیدن حدیث از راویان دیگر (غیر از آن بزرگان) بسنده می‌کردند.

و آن بزرگان از صحابه بر این باور بودند که بر آنان واجب نیست حدیث را نقل کنند، مگر هنگامی که نیاز به نقل آن پدید آید. و می‌گفتند: اگر علم به همین صورت منتقل شود، چیزی از سنت پیامبر از بین نخواهد رفت؛ زیرا شمار صحابه زیاد است، و مدت زمان حضورشان در دنیا طولانی خواهد بود، و فرصت‌ها و مناسبت‌هایی که در آن نیاز به نقل حدیث پیش آید نیز فراوان خواهد بود. افزون بر این، خداوند خود حفظ شریعت را تضمین کرده است. (المعلمی: ص: ۱۴۱)

۵. یکی دیگر از اسباب حافظه‌ی نیرومند ابوهریره رضی الله عنه بود. چنانکه در سطور فوق با تفصیل گذشت.

اینها برخی علل کثرت روایت ابوهریره نسبت به سایر صحابه کرام است، گرچه اسباب و علل فراوانی دیگر نیز وجود دارد.

۵. جایگاه فقهی و اجتهادی ابوهریره رضی الله عنه: ابوهریره رضی الله عنه از جمله دانشمندان و مفتیان بزرگ عصر صحابه رضی الله عنهم به شمار میرود. رجوع بزرگان صحابه نزد وی برای کسب فتوی در مسائل اختلافی به این امر دلالت میکند، اما برخی ادعا می‌کنند که ابوهریره رضی الله عنه تنها ناقل روایت بوده و هیچ‌گونه آگاهی فقهی یا توانایی اجتهاد نداشته است و شرایط لازم برای آن را نیز نداشته است. برخی از منسوبان به مذهب حنفی به رد روایات ابوهریره - رضی الله عنه - روی آورده‌اند، به‌ویژه هنگامی که روایت او مخالف قیاس باشد. و سپس این سؤال را مطرح می‌کنند که: چگونه می‌توان به روایات ابوهریره اعتماد کرد در حالی که روایاتش مخالف قیاس می‌باشد؟

مستشرقین و شاگردان آنان و سایر منکرین سنت همین سخنان و دیدگاه را در دست گرفته و بهترین وسیله برای رد سنت نبوی - زیر نام رد روایت ابوهریره - قرار داده‌اند و این اندیشه را به مذهب حنفی نسبت می‌دهند، گویا امام ابوحنیفه و یارانش رحمهم الله همه بر همین اصل بوده‌اند. چنانکه ابوریه در کتابش أضواء علی السنة المحمدية روایاتی را از شرح نهج البلاغة تألیف ابن ابی الحدید معتزلی نقل می‌کند که گویا امام ابوحنیفه رحمه الله روایات ابوهریره رضی الله عنه را قبول نداشته است.

یقیناً آنچه باید دانست که این دیدگاه نه اینکه اصل مذهب حنفی نبوده بلکه مخالف مذهب می‌باشد. این افراد در این ادعا، برخلاف نظر اسلاف مذهب‌شان سخن گفته‌اند؛ چراکه چنین قول باطلی نه از ابوحنیفه و نه از ابویوسف و نه محمد بن حسن و دیگر ائمه این مذهب نقل نشده است. و محققان مذهب این اندیشه را نادرست دانسته و تأویل مذهبی را باطل می‌دانند چنانکه در سطور آتی تذکر می‌دهم:

۱. گفتن اینکه ابوهریره فقیه نبود، دیدگاه همه حنفیان نیست، بلکه نظر برخی از متأخران آن هاست. شاید اولین کسی که این قول را رواج داد، عیسی بن أبان بوده باشد. (السباعي: ۱/ ۳۴۹، والزرکشی: ۶/ ۲۱۲).^۷ محققان مذهب حنفی این قول را مورد نقد قرار داده و براین باور اند که ابوهریره - رضی الله عنه - از همه شرایط اجتهاد برخوردار بود؛ او عالمی فقیه، مجتهدی کوشا، وارع و زاهد و صاحب روشی علمی در روایت و فتوا بود. او حافظی دقیق و راسخ در علم بود، و سیره اش بهترین گواه بر فقه و اجتهاد اوست، چنانکه امام ذهبی در پاسخ به این ادعا می گوید: این سخن اعتباری ندارد؛ بلکه مسلمانان، چه در گذشته و چه در زمان ما، به احادیث او استناد کرده اند، به خاطر حفظ قوی، جایگاه رفیع، دقت در نقل، و فقه وی. کافی است که ابن عباس در برابر او با ادب برخورد می کرد و می گفت: "أفت يا أباهريرة" ای ابوهریره، فتوا بده.

امام ذهبی افزوده است: صحابه و دیگران به احادیث ابوهریره در بسیاری از مسائل - که با قیاس در تعارض بودند - عمل کردند. مثلاً همه به حدیث او از پیامبر صلی الله علیه وسلم استناد کردند که فرموده بود: «زن نباید بر عمه یا خاله اش تزویج شود»، و نیز به حدیث او که پیامبر فرمود: «کسی که فراموش کند و در حالت روزه چیزی بخورد، روزه اش را کامل کند»، با اینکه قیاس نزد امام ابوحنیفه رحمه الله این است که روزه اش باطل می شود؛ ولی ابوحنیفه رحمه الله در برابر این حدیث، قیاس را کنار گذاشت. بلکه حتی قیاس را در مسائلی به مراتب ساده تر ترک کرد، مانند مسأله قهقهه (خندیدن در نماز) به خاطر یک خبر مرسل. (الذهبي: سير أعلام النبلاء، ۲/ ۶۲۱)

علامه فقیه عبدالعزیز بخاری می گوید: ما نمی پذیریم که ابوهریره رضی الله عنه فقیه نبوده است، زیرا او از هیچ یک از شرایط اجتهاد بی بهره نبوده، و در زمان صحابه فتوا می داده است، و در آن زمان کسی جز فقیه مجتهد فتوا نمی داد. او از بزرگان یاران رسول خدا صلی الله علیه وسلم بود. (علاء الدین البخاري الحنفي: ۲/ ۷۰۸) و ابن الهمام می گوید: «ابوهریره فقیه بود». (ابن الهمام: ص ۳۱۹)

مبارکفوری در «تحفة الأحوذی» درباره فقه ابوهریره می نویسد: در «السعاية» شرح شرح الوقایة - که تألیف یکتا از بزرگان علمای حنفی است - در رد سخن برخی که گفته اند ابوهریره فقیه نبوده آمده: «این که گفته شود ابوهریره فقیه نبوده، صحیح نیست، بلکه او از فقیهانی بود که در زمان پیامبر صلی

^۷ قابل ذکر است که عیسی بن أبان در اکثر موارد اصولی همگام با معتزله بوده برخلاف کرخی و سرخسی وقاضی ابوزید دبوسی و سایر اصولیین مذهب. برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به: أصول الفقه لاین مفلح (۲/ ۷۹۴) البحر المحيط في أصول الفقه (۴/ ۳۴۹) البحر المحيط في أصول الفقه (۴/ ۳۶۱) البحر المحيط في أصول الفقه (۴/ ۵۳۱) البرهان في أصول الفقه (۱/ ۲۸۰) التبصرة في أصول الفقه (ص: ۱۲۲) التلخیص في أصول الفقه (۲/ ۴۰) التمهيد في أصول الفقه (۳/ ۲۱۴)

الله علیه وآله وسلم فتوا می‌دادند، چنان‌که ابن همام در "تحریر الأصول" و ابن حجر در "الإصابة" تصریح کرده‌اند. (المبارکفوری: ۲۸/۱)

۲. ابوهریره از جمله مفتیان دور صحابه می‌باشد: حافظ ذهبی در «تذکره الحفاظ» می‌نویسد: ابوهریره دوسی یمانی، حافظ، فقیه، و از یاران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بود. او یکی از مخازن علم و از امامان بزرگ فتوا بود، همراه با بزرگی، عبادت و تواضع. (الذهبی: تذکره الحفاظ ۲۸/۱)

ابن القیم در «إعلام الموقعین» می‌گوید: پس از رسول الله، گروهی از بزرگان ایمان و لشکر قرآن و سپاه رحمان یعنی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مسئولیت فتوا را بر عهده گرفتند. برخی از آن‌ها بسیار فتوا می‌دادند، مانند عمر، علی، ابن مسعود، عایشه، زید بن ثابت، ابن عباس و ابن عمر. و برخی میانه‌رو بودند، از جمله ابو بکر، ام سلمه، انس بن مالک، ابو سعید خدری و ابوهریره رضی الله عنهم. (ابن القیم: ۹/۱)

ابن حزم می‌گوید: برخی از صحابه کرام آنچه از ایشان در زمینه فتوا نقل شده، در حد وسط قرار دارد (نه بسیار زیاد، نه بسیار کم)، و آنان عبارت‌اند از: عثمان، ابوهریره، عبدالله بن عمرو بن عاص، ام سلمه، انس، ابو سعید، ابو موسی، عبدالله بن زبیر، سعد بن ابی وقاص، سلمان، جابر، معاذ، ابوبکر صدیق. اینان سیزده نفرند که می‌توان فتاوی هر کدام از آنان را در جزوه‌ای کوچک گرد آورد. (ابن حزم: ۹۲/۵)

علامه محدث فقیه، محمد عبدالحی لکهنوی نیز ابوهریره رضی الله عنه را در زمره‌ی صحابه‌ای برشمرده که زیاد فتوا می‌دادند، و گفت: «با این سخن می‌توان به کسانی از اصولیان حنفی پاسخ داد که گفتند ابوهریره فقیه نبود، زیرا وی در زمان پیامبر و پس از آن فتوا می‌داد، و کسی در آن زمان فتوا نمی‌داد مگر اینکه فقیه بود». این سخن (ابوهریره فقیه نبود) را ابن همام، مؤلف «فتح القدیر»، نیز در کتاب «تحریر الأصول» رد کرده است. (اللکنوی: ص ۵۴۳)

و ابن امیر حاج نیز می‌گوید: «وی هیچ‌یک از شروط اجتهاد را فاقد نبود و در زمان صحابه فتوا داده است، و آن زمان فتوا مخصوص مجتهدان بود». (ابن امیر حاج: ۲/۲۵۱).^۸ علاوه بر اینان، فقیهان دیگر

^۸ حیث قال: (وَأَبُو هُرَيْرَةَ فَفَقِيهٌ) لَمْ يَعْدَمْ شَيْئًا مِنْ أَسْبَابِ الاجْتِهَادِ وَقَدْ أَفْتَى فِي زَمَنِ الصَّحَابَةِ وَلَمْ يَكُنْ يُفْتَى فِي زَمَنِهِمْ إِلَّا مُجْتَهِدٌ وَرَوَى عَنْهُ أَكْثَرُ مِنْ ثَمَانِمِائَةِ رَجُلٍ مَا بَيْنَ صَحَابِيٍّ وَتَابِعِيٍّ مِنْهُمْ ابْنُ عَبَّاسٍ وَجَابِرٌ وَأَنَسٌ.

حنفی نیز صراحتاً فقیه بودن او را ذکر کرده‌اند. بنابراین هیچ شکی نیست که ابوهریره رضی‌الله عنه از فقیهان صحابه و از بزرگان اهل فتوا بود.

۳. او یکی از پنج نفری بود که پس از وفات عثمان - رضی‌الله عنه - در مدینه فتوا می‌دادند و از پیامبر روایت می‌کردند، و تا زمان وفاتشان مرجع فتوا بودند. مردم مدینه در طول مدت ۲۳ سال قدر او را دانسته و او را در جایگاه شایسته‌اش قرار داده و به فتوایش عمل می‌کردند؛ زیاد بن مینا می‌گوید: ابن عباس و ابن عمر و ابوسعید و ابوهریره و جابر و کسانی مانند آن‌ها از زمان وفات عثمان تا وقتی که خودشان دیده از جهان فرو بستند در مدینه فتوا می‌دادند، و فتوا به این پنج نفر ارجاع می‌شد. (ابن سعد: ۳۷۲/۲ و الذهبی: سیر أعلام النبلاء ۶۰۶/۲-۶۰۷)

و مردم مدینه همانطور که از او حدیث روایت می‌کرده‌اند در سوال و فتوا نیز به او مراجعه می‌نمودند. بعضی او را در فتوا مقدم داشته و فتوایش را تأیید می‌کردند. شافعی از مالک از یحیی بن سعید از بکیر بن أشج از معاویه بن ابی عیاش انصاری روایت می‌کند که او با ابن زبیر نشسته بود، محمد با ایاس بن بکیر آمد و او را در مورد مردی پرسید که قبل از آمیزش زنش را سه طلاقه کرده است، او آن مرد را نزد ابوهریره و ابن عباس که پیش عائشه بودند فرستاد، او رفت و از آن‌ها پرسید، ابن عباس به ابوهریره گفت: «به او فتوا بده ای ابوهریره، مسئله مشکلی برای آمده است» ابوهریره گفت: «یک طلاق زن را باین و جدا می‌کند و سه طلاق آن را برای همیشه حرام می‌نماید، مگر آن که شوهری دیگر کند و شوهرش دومی طلاقش دهد آنگاه برای شوهر اولی حلال می‌شود، و ابن عباس هم همین را گفت. (الأصبیحی: ۵۷/۲ و الشافعی: ۳۶/۲) و امام بخاری می‌گوید: او در علم قرآن و سنت و در فقه در رأس همه قرار دارد. (الذهبی: سیر اعلام النبلاء، ۴۳۷/۲).

۴. ابن تیمیه می‌گوید: این ادعا که ابوهریره از فقیهان صحابه نبود، اشتباه است. عمر بن خطاب او را بر بحرین، که مردم آن از بهترین مسلمانان بودند، گماشت، و او در آنجا به مردم فتوا می‌داد. مسائلی که ابوهریره در آنها فتوا داده، از فروع دقیق فقه بوده، مانند: زنی که طلاق کمتر از سه‌گانه گرفته و ازدواج دوم انجام داده و آیا می‌تواند به شوهر اول بازگردد یا نه. وی فتوایی داد و عمر آن را تأیید کرد و گفت: «اگر فتوای دیگری داده بودی، تو را تنبیه می‌کردم». (ابن تیمیه: ۵۳۲/۴) این نمونه‌ای از فقه و اجتهاد ابوهریره در میان فقیهان صحابه مانند ابن عباس و دیگران است.

۵. امام محدث کبیر ابو بکر محمد بن اسحاق بن خزیمه صاحب کتاب صحیح نیز می‌گوید: کسی که در ابوهریره سخن می‌گوید و روایتش را رد می‌کند، کسی است که خدا قلبش را کور کرده و معانی احادیث را نمی‌فهمد. یا جهمی معطلی است که احادیث او را مخالف مذهب کفرآمیز خود می‌بیند،

پس ابوهریره را می‌گوید تا روایاتش را بی‌اعتبار جلوه دهد. یا خارجی‌ای است که به طاعت خلیفه یا امام معتقد نیست، یا قدری‌ای که قضا و قدر را انکار می‌کند و اسلام را ترک کرده، و روایات ابوهریره را در اثبات قدر برنمی‌تابد. یا فرد جاهلی است که می‌خواهد فقه را از غیر جایگاه آن یاد بگیرد. چنین افرادی وقتی روایت ابوهریره مخالف نظر مذهب تقلیدی‌شان باشد، آن را رد می‌کنند ولی اگر موافق باشد، به آن استدلال می‌کنند. (الحاکم: ۵۸۶/۳)

و این همه نشان می‌دهد که ابوهریره - رضی الله عنه - فقهی از فقیهان صحابه و از امامان بزرگ فتوا در عصر خود بوده است و سخنان مخالفین وی، دور از حجت و دلیل است.

یافته‌ها

بعد از بحث و بررسی پیرامون صحابی جلیل‌القدر ابوهریره رضی الله عنه مسایل ذیل را بدست آوردم

۱. ابوهریره به کنیه اش شهرت یافته ونامش عبدالرحمن بن صخر است. (الحاکم: ۵۷۹/۳).
۲. ابوهریره از قبیله دوس یمانی است. (العسقلانی: ۲۰۴/۴)
۳. ابوهریره در سال هفتم در فتح خیبر به محضر رسول الله صلی الله علیه وسلم شرفیاب شده واسلام خود را اعلان نمود. (الفتح: ۲۲۵/۶)
۴. ابوهریره ملازم رسول الله بوده ودر سفر و حضر هم‌کاب ایشان بود. (النووی: ۱۲۸/۲)
۵. ابوهریره رضی الله عنه بیشترین احادیث را از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نقل نموده. (الذهبی: تذکرة الحفاظ، ۱۲۰/۱)
۶. ابوهریره در پهلوی روایت حدیث در بخش فقه وفتوا نیز پیش گام بوده ومفتی مدینه منوره به شمار می‌رفت واز جمله متوسطین در فتوا محسوب می‌شود. (الذهبی: سیر أعلام النبلاء، ۲/۶۲۱)
۷. معتزله در قدیم وعقل‌گرایان امروزی وآنانیکه متأثر از معتزله اند انتقادات را بر این صحابی جلیل‌القدر وارد نموده اند به جرم اینکه چرا بیشترین احادیث را از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل نموده است. در لابلای این مقاله این شبهات بی دلیل پاسخ داده شده است.

مناقشه و نتیجه‌گیری

ابوهریره صحابی جلیل‌القدر بوده که بیشترین احادیث را از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت نموده است، اما با کمال تاسف مستشرقین و شاگردان آنها این کثرت را مورد نقد قرار داده واین موضوع را وسیله طعن ونقد بالای ابوهریره قرار داده اند، اما این کثرت روایت بنا بر دلایل می‌باشد؛ از آنجمله:

استجاب دعای نبوی در حق ابوهریره به وفور علم و دانش، کثرت ملازمت با رسول الله و حضور در کنار پیامبر در سفر و حضر، حرص بیش از حد به علم و دانش، طول عمر، قوت حافظه.

یکی دیگر از موضوعات جنجالی و پرتنش فقاقت و اجتهاد ابوهریره رضی الله عنه می باشد، اولین کسانی که این موضوع را دامن زدند معتزله بودند آنها ابوهریره را به عدم فقه و اجتهاد متهم ساخته و از این دریچه بخش بزرگی از روایاتش را مردود دانسته و با این وسیله دروازه نقد حدیث و عدم پذیرش آن را به دیگران باز نمودند، وعده از منسوبین به فروع فقهی مذهب حنفی که متأثر از اصول معتزله می باشند نیز در این موضوع خود را دخیل ساختند، و تاحد ممکن آن را در فروع فقه تطبیق نمودند، حالانکه امام ابوحنیفه و شاگردانش - ابویوسف و محمد وزفر - از این اصل اعتزالی فرسنگ ها دور بودند. مستشرقین، عقل گرایان و نواندیشان دینی معاصر در راستای احیای میراث معتزله سعی و تلاش ورزیده و می ورزیدند و از جمله در ترویج این اصل اعتزالی خیلی موفق گردیدند.

ما در این مقاله سعی ورزیدیم که حقیقت این اصل اعتزالی را واضح نموده و آن را پاسخ دهیم و ثابت گردید که ابوهریره در پهلوی محدث بودن فقیه و مجتهد نیز می باشد، مردم مدینه به فتاوی او ارج نهاده و او را در بسا موارد بر دیگر فقیهان ترجیح می دادند.

ابوهریره صحابی نامدار و علمبردار علم و معرفت است و بیشترین شاگردان را در میان صحابه و تابعین دارد، و هیچ کتاب حدیثی خالی از روایات او نمی باشد و حد اعظم موضوعات دین به او وابسته است. تعداد صحابه کرام بطور دقیق معلوم نیست، عده ۱۱۴ هزار گفته اند، وعده دیگر ۱۴۰ هزار وعده دیگر ۱۲۳ هزار بیشتر هستند.

آن فضایل که در مورد صحابه کرام در قرآن و سنت ذکر شده ابوهریره را نیز شامل می شود. تربیت یافته گان مکتب نبوی بهترین انسان های روی زمین اند که تا امروز بشر شاهد آن بوده است. محبت صحابه کرام از لوازم ایمان بوده و آنها دروازه اسلام می باشند.

هیچگونه طعن و نفرین در حق صحابه کرام قابل قبول نیست، اما ادعای عصمت برای هیچکس جز از رسول الله صلی الله علیه وسلم نمی شود پس صحابه کرام معصوم نبوده و امکان خطا در موضوعات اجتهادی در حق آنها وجود دارد.

سپاسگزاری

از تمام محققان و استادان محترم که در راستای تکمیل این مقاله تشویق نموده و در معرفی منابع و مآخذ همکاری نمودند قلباً سپاسگزارم.

منابع

القرآن الكريم

ابن أبي العز الحنفي، ص. (٢٠٠٥م). شرح العقيدة الطحاوية (چاپ اول، تحقيق: ناصرالدين الألباني). بيروت: المكتب الإسلامي.

ابن أبي عاصم، ا. (١٩٨٠م). السنة (تحقيق: محمد ناصرالدين الألباني). بيروت: المكتب الإسلامي.

ابن أمير حاج، م. (١٤٠٣هـ). التقرير والتحبير على تحرير الكمال بن الهمام (چاپ دوم). بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن الصلاح، ع. (٢٠٠٢م). مقدمة ابن الصلاح (چاپ دوم). بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن القيم، م. (١٤١١-١٩٧٠هـ). إعلام الموقعين عن رب العالمين (تحقيق: محمد عبدالسلام ابراهيم). بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن الهمام، م. (١٣٥٠هـ). التحرير، مع شرحه تيسير التحرير، قاهره: مطبعة مصطفى الحلبي.

ابن تيمية، ا. (١٩٩٥م). مجموع الفتاوى (چاپ اول). عربستان سعودی: مجمع ملك فهد برای چاپ قرآن كريم.

ابن حزم، ع. (بی تا). الإحكام في أصول الأحكام (تحقيق: احمد محمد شاكر). بيروت: دار الآفاق الجديدة.

ابن سعد، م. (١٩٦٨م). الطبقات الكبرى (تحقيق: إحسان عباس). بيروت: دار صادر.

ابن عبدالبر، ی. (١٩٩٢م). الاستيعاب في معرفة الأصحاب (تحقيق: علی محمد الجاوی). بيروت: دار الجيل.

ابن عساکر، ع. (١٩٩٥م). تاريخ دمشق (تحقيق: عمرو بن غرامه العمروی). قاهره: دارالفکر.

أبوريه، م. (بی تا). أضواء على السنة المحمدية (چاپ ششم). قاهره: دارالمعارف.

الأصبحي، م. (١٤٢٥هـ). الموطأ (تحقيق: محمد مصطفى الأعظمی). ابوظبی: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان.

الأصفهاني، ا. (١٣٩٤هـ). حلية الأولياء وطبقات الأصفياء (چاپ اول). بيروت: دارالكتاب العربي.

امين، احمد. (١٩٩٧م). ضحى الإسلام (چاپ اول). قاهره: مكتبة الأسرة.

البخارى، م. (١٩٩١م). صحيح البخارى (چاپ اول). بيروت: دارالفکر.

الترمذی، م. (١٩٧٥م). سنن الترمذی (چاپ دوم). قاهره: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

الحاكم، م. (١٩٩٠م). المستدرک على الصحيحين (تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا). بيروت: دارالكتب العلمية.

الخطيب البغدادی، ا. (بی تا). الكفاية في علم الرواية (تحقيق: ابو عبدالله السورقي و ابراهيم حمدي المدني). مدینه: المكتبة العلمية.

الخطيب، م. (١٩٨٢م). ابو هريرة رواية الإسلام (چاپ سوم). قاهره: مكتبة وهبة.

الذهبي، م. (١٩٨٥م). سير أعلام النبلاء (چاپ سوم). بيروت: مؤسسة الرسالة.

الذهبي، م. (١٤١٩هـ). تذكرة الحفاظ (چاپ اول). بيروت: دارالكتب العلمية.

الرازي، ع. (١٩٥٢م). الجرح والتعديل (چاپ اول). بيروت: دار احياء التراث العربي.

الزركشي، ب. (١٤١٤هـ). البحر المحيط في أصول الفقه (چاپ اول). بيروت: دارالكتبي.

الزهرى، م. (بی تا). دفاع عن أبي هريرة (چاپ اول). ابوظبی: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية.

- السباعي، م. (١٩٨٢م). *السنة ومكانتها في التشريع الإسلامي* (چاپ اول). دمشق: المكتب الإسلامي.
- الشافعي، م. (١٩٩٠م). *مسند الشافعي* (چاپ اول). بيروت: دارالمعرفة.
- الشيبياني، ا. (١٩٨٣م). *فضائل الصحابة* (تحقيق: وصي الله محمد عباس). بيروت: مؤسسة الرسالة.
- الشيبياني، ا. (١٤١١هـ). *أصول السنة* (چاپ اول). رياض: دار المنار.
- الشيبياني، ا. (٢٠٠٠م). *مسند الإمام أحمد* (چاپ دوم). بيروت: مؤسسة الرسالة.
- العزيز، ع. (بي تا). *دفاع عن أبي هريرة* (چاپ دوم). بيروت: دارالقلم.
- العسقلاني، ا. (١٩٨٦م). *الإصابة في تمييز الصحابة* (چاپ اول). بيروت: دارالكتب العلمية.
- العسقلاني، ا. (١٩٨٦م). *فتح الباري شرح صحيح البخاري*. بيروت: دارالمعرفة.
- علاء الدين، ع. (بي تا). *كشف الأسرار شرح أصول البزدوى*. بيروت: دارالكتاب الإسلامي.
- القزويني، م. (بي تا). *سنن ابن ماجة* (تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقى). بيروت: دار احياء التراث العربى.
- القشيري، م. (١٩٧٢م). *صحيح مسلم* (چاپ دوم). بيروت: دار احياء التراث العربى.
- اللكنوي، ع. (١٩٩٥م). *ظفر الأمانى بشرح مختصر الجرجاني* (تحقيق: عبدالفتاح ابو غدة). بيروت: مكتب المطبوعات الإسلامية.
- المباركفوري، م. (٢٠٠٢م). *تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى*. بيروت: دارالكتب العلمية.
- المعلمي اليماني، ع. (١٩٨٦م). *الأنوار الكاشفة لما في كتاب "أضواء على السنة" من الزلل والتضليل والمجازفة*. بيروت: عالم الكتب.
- النسائي، ا. (١٩٨٦). *السنن الكبرى* (چاپ دوم، تحقيق: عبدالفتاح ابو غدة). حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية.
- النووى، ي. (بي تا). *المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج*. بيروت: دار احياء التراث العربى.